

Relationship between Academic- and Emotional Literacy of Faculty Members; Kurdistan University

Amani A.* *PhD*, Esfandiyari H.¹ *MD*, Namdari Pejman M.² *MSc*, Ghaffari A.³ *MD*

*Psychology & Counseling Department, Humanities Faculty, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

¹Clinical Psychology Department, Psychology & Educational Sciences Faculty, Kurdistan Science & Research Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

²Education Sciences Department, Educational Sciences Faculty, Nasibeh Pardis, Farhangian University, Tehran, Iran

³Psychology & Counseling Department, Humanities Faculty, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Abstract

Aims: Academic literacy is the most important support of higher education which must be associated with emotional literacy that is one of the important factors in determining success of person in life necessarily. Emotional literacy along with emotional literacy can have an undeniable impact on the scientific community. This study aimed to investigate the correlation between academic literacy and emotional literacy of the university faculty members.

Methods: In this descriptive-correlational study, 100 University faculty members of Kurdistan University who their research scores were recorded were selected by simple random sampling method and according to Cochran formula were studied in 2012. Data were collected using research experiences form and Bar-On emotional literacy questionnaire with the reliability equal to 0.81 in Cronbach's alpha scale. The validity of the questionnaire was reported high through exploratory factor analysis. Data were analyzed by descriptive and inferential statistics (Pearson correlation and simple two-variable regression tests) using SPSS 20 software.

Findings: There was no significant correlation between emotional literacy and its domain with academic literacy. Also the academic literacy model was not successful to predict emotional literacy of University faculty members ($p=0.87$).

Conclusion: There is no correlation between academic literacy and emotional literacy in the University faculty members and the high academic literacy as a determinant factor of the ability of a person to effectiveness life does not necessarily mean the high emotional literacy.

Keywords

Faculty (<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68005178>);
Emotional Intelligence (<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68056348>);
Information Literacy (<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68058980>);
Education (<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68004493>)

* Corresponding Author

Tel: +988717278480

Fax: +988733285203

Address: Consulting Center, Kurdistan University, Pasdaran Street, Sanandaj, Iran

ahmad_counsellor@yahoo.com

Received: November 11, 2013

Accepted: January 13, 2014

ePublished: July 7, 2014

رابطه سواد آکادمیک و سواد هیجانی در اعضای هیات علمی؛ دانشگاه کردستان

احمد امانی* PhD

گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

حجت اسفندیاری MD

گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات کردستان، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

مهدی نامداری پژمان MSc

گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی پردیس نسیمیه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

عدنان غفاری MD

گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

اهداف: سواد آکادمیک اصلی‌ترین پشتوانه آموزش عالی است که لزوماً باید با سواد هیجانی بالا که یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت فرد در زندگی است، همراه باشد. سواد آکادمیک در راستای سواد هیجانی می‌تواند اثری انکارناپذیر بر جامعه علمی داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سواد آکادمیک و سواد هیجانی اعضای هیات علمی دانشگاه بود.

روش‌ها: در این پژوهش توصیفی-همبستگی، ۱۰۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۱ که نمرات پژوهشی آنها به‌ثبت رسیده بود به‌روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و طبق فرمول کوکران انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، فرم بررسی سوابق پژوهشی و پرسش‌نامه سواد هیجانی بار-آن با پایایی ۰/۸۱ در مقیاس آلفای کرونباخ بود. روایی پرسش‌نامه نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، بالا گزارش شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون دو متغیری ساده) با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS 20 انجام گرفت.

یافته‌ها: بین سواد هیجانی و حوزه‌های آن با سواد آکادمیک رابطه معنی‌داری وجود نداشت. همچنین مدل سواد آکادمیک در پیش‌بینی سواد هیجانی اعضای هیات علمی دانشگاه موفق نبود ($p=0/87$).

نتیجه‌گیری: در اعضای هیات علمی دانشگاه، بین سواد آکادمیک با سواد هیجانی و حوزه‌های آن رابطه‌ای وجود ندارد و سواد آکادمیک بالا لزوماً به‌معنی داشتن سواد هیجانی بالا به‌عنوان عامل تعیین‌کننده توانایی یک شخص برای اثربخش بودن نیست.

کلیدواژه‌ها: هیات علمی، هوش هیجانی، سواد اطلاعاتی، آموزش

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

*نویسنده مسئول: ahmad_counsellor@yahoo.com

مقدمه

تحقیقات نشان می‌دهد میزان تولید دانش و اندیشه در کشور و بهره‌وری پژوهشی اعضای هیات علمی، با توانایی، تخصص و قابلیت‌های گوناگون آنان در ارتباط است [۱]. از نظر تخصص، انگیزه و مهارت‌های حرفه‌ای، اغلب اعضای هیات علمی کشور ایران به‌خصوص در شهرستان‌ها در شرایط مناسبی قرار ندارند [۲]. گذشته از اینکه سرمایه‌گذاری مناسبی برای تولید، توزیع و بهره‌برداری از دانش در ایران صورت نگرفته است، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری صورت گرفته و اقدامات انجام‌شده نیز بسیار پایین است؛ برای مثال، در بررسی پژوهش‌های سال ۱۳۸۳ در نظام آموزشی ایران، به‌ازای هر ۱۰۰ طرح پژوهشی توسعه‌ای فقط ۸ اختراع، به‌ازای هر ۱۰۰ طرح پژوهشی بنیادی ۷ کشف و به‌ازای هر ۱۰۰۰ محقق، ۱۱ اختراع ثبت‌شده و ۷ کشف وجود داشته است [۳]. این آمار به‌روشنی بیان می‌کند که صرف پژوهش به‌تنهایی عامل مناسبی برای سنجش توانایی‌های استادان و اعضای هیات علمی نیست و نظام ارزش‌یابی استادان دارای حلقه مفقوده ارزش‌یابی درونی است. به‌عبارت دیگر، هم نظام اعتبارسنجی و ارزش‌یابی درونی و هم بیرونی، هر دو لازمه نظام آموزش عالی و پژوهش است و هر کدام مزایا و کارویژه‌های خاص خود را دارد [۴].

از جمله ویژگی‌های درونی موثر در راسخ و مصمم‌بودن، شخصیت مبتکر بودن و معطوف به هدف عمل کردن [۵] هوش هیجانی است. *ثورندلیک*، یکی از اولین کسانی بود که هوش هیجانی را شناخت و آن را "هوش اجتماعی" نامید [۶]. وی هوش اجتماعی را توانایی درک و مدیریت کردن برای تعامل و ایجاد روابط انسانی تعریف کرده است. در همین زمینه *وکسلر*، در مطالعات خود به این نتیجه دست یافت که غیر از ضریب هوشی عوامل دیگری وجود دارد که در فرآیند اثربخشی و عملکرد فرد دخالت دارند [۷]. *بار-آن*، این عوامل را در پنج حوزه توانایی‌های درون‌فردی، بین‌فردی، سازگاری یا سازش‌یافتگی، توانایی مقابله با فشار و مدیریت استرس، و خلق عمومی تقسیم‌بندی نمود و آن را مجموعه‌ای از توانایی‌ها، کفایت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی دانست که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با اقتضات و فشارهای محیطی تحت تاثیر قرار می‌دهد [۸]. بنابراین توانایی آگاهی از حالات هیجانی خود مهارتی است که ممکن است برای برخی از مقوله‌های کلی هوش هیجانی مانند کنترل تکانه، پافشاری، اشتیاق و خودانگیزی، همدلی و مهارت اجتماعی بسیار بنیادی باشد [۹]. همچنین می‌توان به تاثیر هوش هیجانی بر انعطاف‌پذیری [۱۰]، سلامت روان [۱۱]، شادابی، نشاط، سرزندگی و استقلال بیشتر در کار و حرفه خود [۱۲]، ترک تحصیل در دوره دانشجویی [۵]، توفیق شغلی و استفاده از مکانیزم دفاعی سازگار رضامندی از زندگی [۱۳]، مدیریت و ابزار هیجان‌ها، همدل بودن و روابط بین‌فردی سالم [۵]، ادراک و تظاهر هیجان، آگاهی و فهم هیجان [۱۴] و مدیریت زمان استادان دانشگاه [۱۵] اشاره نمود. در توجه به ضرورت پژوهش، در ۲۰۰۰ سال پیش افلاطون چنین بیان داشت که "تمام یادگیری‌ها دارای یک زیربنای هیجانی و عاطفی

برای به دست آوردن نمرات سواد آکادمیک، نمرات هر یک از اعضای هیات علمی در ابعاد آموزشی و پژوهشی از سامانه پژوهشی و واحد سنجش و ارزیابی دانشگاه استخراج شد. برای به دست آوردن نمره سواد هیجانی نیز از پرسشنامه سواد هیجانی بار- آن استفاده شد. پرسشنامه سواد هیجانی یک مقیاس خودگزارش دهی ۹۰ مادامی است که بر اساس نظام لیکرت به صورت "کاملاً موافقم" (۵ امتیاز)، "موافقم" (۴ امتیاز)، "نظری ندارم" (۳ امتیاز)، "مخالفم" (۲ امتیاز) و "کاملاً مخالفم" (۱ امتیاز) نمره گذاری می شود. پرسشنامه سواد هیجانی در موقعیت های متنوعی کاربرد دارد و در موقعیت های شغلی، آموزشی، بالینی، پزشکی و پژوهشی می توان از آن استفاده کرد. خرده مقیاس های این آزمون، هوش هیجانی درون فردی (شامل خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، عزت نفس، خودشکوفایی و استقلال)، هوش هیجانی بین فردی (شامل همدلی، روابط بین فردی و مسئولیت پذیری اجتماعی)، هوش هیجانی مقابله با فشار (شامل تحمل فشار و کنترل تکانه)، هوش هیجانی سازگاری (شامل حل مساله، واقع گرایی و انعطاف پذیری) و در نهایت، هوش هیجانی خلق کلی (شامل خوشبختی و خوش بینی) بود. نمره کلی سواد هیجانی نیز با جمع نمرات تمام سؤالات به دست آمد. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، اجرای فرم موازی یا همتا، دوباره کردن برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش شد. روایی پرسشنامه نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، بالا گزارش شد [۱۹]. پایایی این پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

پس از طراحی فرآیندهای پژوهش، برای اجرای پرسشنامه ها از معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، مجوز لازم اخذ شد. با استفاده از فهرست اسامی نمونه، پرسشنامه های بسته بندی شده جهت تکمیل به ایشان تحویل داده شد. هر پرسشنامه پس از یک روز عودت داده شد. از طرفی برای مشخص کردن سواد آکادمیک، براساس مجوز معاونت پژوهشی با ورود به سامانه پژوهشی و واحد سنجش و ارزیابی دانشگاه، اطلاعات لازم استخراج شد.

پس از گردآوری داده ها، تجزیه و تحلیل در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون دو متغیری ساده) با به کارگیری نرم افزار SPSS 20 انجام شد. برای بررسی رابطه بین سواد آکادمیک و سواد هیجانی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد [۲۰]. برای اندازه گیری میزان رابطه ها، آزمون رگرسیون دو متغیره ساده مورد استفاده قرار گرفت و سواد آکادمیک به عنوان متغیر پیش بین و سواد هیجانی به عنوان متغیر ملاک تعیین شدند.

یافته ها

میانگین نمره کلی سواد هیجانی در افراد مورد مطالعه ۲۸/۷۹±۲۱۵/۹۶ و میانگین نمره سواد آکادمیک در این افراد ۶۱/۴۹±۵۱/۹۹ بود. بین تمام حوزه های سواد هیجانی و نمره کلی سواد هیجانی، رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت ($p < 0.01$).

هستند. براساس گفته افلاطون از آن زمان تاکنون دانشمندان، پژوهشگران و فیلسوفان در جهت اثبات یا نفي نقش احساسات در یادگیری، مطالعات زیادی انجام داده اند. متأسفانه تفکر حاکم بر این ۲۰۰۰ سال این بود که "هیجانها مانع انجام کار و تصمیم گیری صحیح می شوند و تمرکز حواس را مختل می سازند." اما در سه دهه گذشته حجم روبه رشد تحقیقات، خلاف این مطلب را اثبات کرد [۱۶].

معلمان امروزی که در کرسی های دانشگاهها فعالیت می کنند، بارها در دوران تحصیل خود در زنگ های انشا در معرض این موضوع و سؤال قرار می گرفتند که "علم بهتر است یا ثروت؟" و گاه این جمله در ذهنها با برداشت های متفاوت، دانش آموز دیروز و معلم امروز را در بن بست تعارض آمیز قرار می داد و تلاش می کرد به رسالت معلم جواب بله بگوید و زحمات او را نادیده نیندازد. اما کسی از آن دانش آموز دیروز نپرسید که خشم بهتر است یا سکوت؟ چگونه همدیگر را دوست بناریم؟ تعارضها را چگونه حل نماییم؟ چگونه می توان زمزمه ذهن یک دانش آموز که به حواس پرتی او در کلاس و تعارض استاد- شاگردی منجر می شود را شناخت؟ و صدها سؤال دیگری که دانش آموز دیروز و معلم امروز یا هرگز از خود نپرسیده است یا در صورت پرسش به حالت گذار و سطحی از کنار آن گذشته است [۱۷].

در اهمیت سواد هیجانی، نورایی در پژوهشی رابطه هوش هیجانی اعضای هیات علمی را با عملکرد آموزشی آنها مورد بررسی قرار داد و نشان داد بین سواد هیجانی (خودآگاهی و خودمدیریتی) اعضای هیات علمی با عملکرد آموزشی آنها رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد [۱۸]. همچنین اهمیت توجه به سواد هیجانی در مدرسان دانشگاهی در این نکته است که سواد آکادمیک و متخصص بودن شرط لازم است، ولی کافی نیست.

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سواد آکادمیک (تخصص های هر فرد در رشته مورد نظر در ابعاد تالیف و ترجمه کتاب و مقالات و فعالیت های آموزشی و پژوهشی) و سواد هیجانی (خودآگاهی هیجانی، همدلی، ارتباط موثر، مهارت کنترل استرس و خودشناسی و غیره) در اعضای هیات علمی دانشگاه بود.

روش ها

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، تمام اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۱ به تعداد ۲۲۰ نفر بود که نمرات پژوهشی آنها به ثبت رسیده بود. از بین این افراد ۱۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده و طبق فرمول کوکران انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده ها، فرم بررسی سوابق پژوهشی و پرسشنامه سواد هیجانی بار- آن بود. چون جامعه اعضای هیات علمی دارای بیشترین امتیازات پژوهشی در دانشکده های پنج گانه دانشگاه کردستان بودند، بر این اساس لیست و نمره پژوهشی این افراد از طریق معاونت پژوهشی و آموزشی تهیه شد و پرسشنامه در اختیار افراد قرار گرفت.

سواد آکادمیک برای حوزه‌های درون فردی ($p=0/7$)، بین فردی ($p=0/7$)، مقابله با فشار ($p=0/27$)، سازگاری ($p=0/07$)، خلق کلی ($p=0/52$) و نمره کلی سواد هیجانی ($p=0/87$) غیرپیش‌بینی‌کننده و تاثیر آن بر سواد هیجانی و مولفه‌های آن بسیار کم بود.

همچنین بررسی رابطه حوزه‌های سواد هیجانی با یکدیگر، بیانگر رابطه قوی بین این حوزه‌ها بود. اما رابطه بین سواد آکادمیک و نمره کلی سواد هیجانی و حوزه‌های پنج‌گانه آن معنی‌دار نبود (جدول ۱).

جدول ۱) ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای سواد آکادمیک سواد هیجانی بصورت کلی و خرده‌مقیاس‌های آن در اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان

متغیرها	میانگین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- درون فردی	۷۱/۲۵±۱۰/۶۷	۱						
۲- بین فردی	۳۸/۴۶±۶/۲۶	۰/۴۳۶**	۱					
۳- مقابله با فشار	۳۳/۲۳±۹/۴۶	۰/۴۲۸**	۰/۲۲۳*	۱				
۴- سازگاری	۴۴/۰۹±۸/۳۲	۰/۵۲۹**	۰/۳۵۶**	۰/۲۵۸**	۱			
۵- خلق کلی	۲۸/۹۳±۴/۲۰	۰/۶۳۸**	۰/۵۵۴**	۰/۴۹۸**	۰/۴۷۴**	۱		
۶- سواد هیجانی	۲۱۵/۹۶±۲۸/۷۹	۰/۱۸۵**	۰/۶۳۳**	۰/۶۸۲**	۰/۷۱۶**	۰/۸۰۳**	۱	
۷- سواد آکادمیک	۶۱/۴۹±۵۱/۹۹	-۰/۰۳۹	-۰/۰۳۹	-۰/۱۱۱	۰/۱۸۴	-۰/۰۶۵	-۰/۰۱۶	۱

$p < 0/05$ * $p < 0/01$ **

بحث

همکاران [۳] همسو است. به عبارت دیگر، سواد آکادمیک با مهارت‌ها و عملکرد بین فردی ارتباط ندارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که توانایی‌ها و مهارت‌های ارتباطی که منجر به تمایل به کارهای گروهی و تعاملات علمی و بهبود عملکرد در موقعیت‌های کار گروهی می‌شود با سواد آکادمیک که در سطح بالای آن معمولاً بصورت گروهی انجام می‌پذیرد ارتباط معنی‌داری ندارد. بررسی رابطه سواد آکادمیک و سواد هیجانی در حوزه مقابله با فشار روانی نیز بیانگر عدم ارتباط این دو متغیر و موفق نبودن سواد هیجانی در تبیین وقوع این حوزه بود که با نتیجه مطالعه *انتظاری* و همکاران [۳] همسو و با یافته‌های *بار-آن* [۸] و *لین* [۹] ناهمسو است و بیانگر عدم ارتباط سواد آکادمیک با مهارت‌های کنترل تکانه و عملکرد مناسب در زمان تحت فشار بودن است. در تبیین این یافته می‌توان گفت توانایی به‌خوبی برآمدن از عهده وظایف فشارزا و اضطراب‌انگیز و کارهایی که مستلزم خطر هستند با انجام تحقیقات علمی و طرح‌ها و پژوهش‌ها ارتباط ندارد. بررسی‌های پژوهش حاضر همچنین بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار میان سازگاری کلی و سواد آکادمیک بود که با یافته‌های *بار-آن* [۸]، *فتاح و قائدهحمیدی* [۱۵] و *لین* [۹] مغایر است. به عبارت دیگر، سواد آکادمیک بالا، معرف افرادی که به‌طور کلی انعطاف‌پذیر، واقع‌گرا و قادر به درک موقعیت‌های دشوار هستند و در رسیدن به راه حل‌های کارآمد، شایستگی دارند، نیست. در تبیین این یافته می‌توان گفت سیستم معیوب ارزش‌یابی از عملکرد پژوهشی باعث شده بالا بودن نمرات در این مولفه برخلاف آنچه انتظار می‌رفت با نمرات بالایی در حل مساله، واقعیت‌آزمایی و انعطاف‌پذیری همراه نباشد. سواد آکادمیک بالا مستلزم دقت در تعریف و تشخیص مشکل‌ها و خلق راه حل‌های موثر بالقوه، واقع‌گرایی در انطباق با محیط، مهارت در سازگاری با هیجان‌ها، افکار و رفتارها در موقعیت‌ها و شرایط متغیر است که یافته‌های پژوهش حاضر این ارتباط را در نظام آکادمیک ایران نشان نداد. در نهایت، آخرین حوزه

طبق نتایج پژوهش حاضر، بین سواد آکادمیک و سواد هیجانی به‌طور کلی ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. این یافته با نتایج مطالعات *علیخانی* [۱]، *بار-آن* [۸]، *هولاهان* و *موس* [۱۰] و *لین* [۹] مغایر و با نتایج مطالعات *انتظاری* و همکاران [۳] و *سیاری* و همکاران [۴] همسو و به نتایج مطالعه *میردریکوندی* [۲۱] نزدیک است. به عبارت دیگر، تکرر مقالات پژوهشی و بالا بودن سواد آکادمیک با تلاش‌های فرد برای موفق شدن، ارتباط معنی‌داری ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت ساختار نظام ارزش‌یابی سواد آکادمیک در دانشگاه‌های ایران به‌طور موثری با توانایی‌ها، مهارت‌ها و ظرفیت‌هایی که در سازگاری موثر با زندگی در ارتباط هستند همسو نیست که این یافته لزوم تجدید نظر در نظام ارزش‌یابی سواد آکادمیک را آشکار می‌سازد.

در مورد رابطه سواد آکادمیک با مولفه‌های سواد هیجانی، سواد آکادمیک با حوزه درون فردی ارتباط معنی‌داری نداشت. این یافته با نتایج مطالعات *علیخانی* [۱]، *بار-آن* [۸] و *لین* [۹] ناهمسو و با نتیجه مطالعه *انتظاری* و همکاران [۳] همسو است. به عبارت دیگر، بالا بودن سواد آکادمیک لزوماً با خودآگاهی درون فردی بالا در ارتباط نیست. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از مولفه‌هایی که برای بالا بودن سواد آکادمیک حیاتی به‌نظر می‌آید، اطمینان و راسخ بودن در بیان عقاید و باورهای خویش است که در افرادی یافت می‌شود که با احساسشان در تماس هستند و در مورد خودشان احساس مثبتی دارند. اما در بررسی‌های تحقیق حاضر این دو متغیر ارتباط معنی‌داری با یکدیگر نداشته و کاملاً مستقل از یکدیگر بودند. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، سواد آکادمیک با حوزه بین فردی سواد هیجانی نیز ارتباط معنی‌داری نداشت و نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر ناموفق بودن سواد آکادمیک در تبیین حوزه بین فردی بود. این یافته با نتایج مطالعات *مایر* و همکاران [۵]، *بار-آن* [۸] و *لین* [۹] ناهمسو و با مطالعه *انتظاری* و

3- Entezari Y, Tae H, Arabmazar Yazdi A. Efficiency analysis of knowledge firms as knowledge producers using stochastic frontier model. Q J Res Plan High Educ. 2007;13(3):1-30. [Persian]

4- Sayari M, Sayari H, Ebrahimi H. External validation and evaluation in higher education. Tehran: Maktabe Mahan; 2006. [Persian]

5- Mayer JD, Salovey P, Caruso D. Emotional intelligence. Imagination, cognition and personality. Baywood Publishing Company, Inc. 1989;9(3):185-211.

6- Thorndike EL. Intelligence and its uses. Harper's Monthly; 1920. Available from: <http://harpers.org/archive/1920/01/intelligence-and-its-uses/>.

7- Wechsler D. The range of human capacities. Baltimore, MD: Literary Licensing, LLC; 1952.

8- Dawda D, Hart SD. Assessing emotional intelligence: reliability and validity of the Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i) in university students. Pers Indiv Differ. 2000;28(4):797-812.

9- Lane RD. Levels of emotional awareness: Neurological, Psychological, and social perspectives. In: Bar-on R, Parker JDA (Eds). Hand book of emotional intelligent. San Francisco: Josses-Bass; 2000. pp. 171-91.

10- Hollahan GJ, Moos PH. Life stressors, resistance factors, and improved psychological functioning: an extension of the stress resistance paradigm. J Pers Soc Psychol. 1990;58(5):909-17.

11- Hasan Tehrani T, Karami Kabir N, Cheraghi F, Bakaeian M, Yaghubi Y. The Relationship between Emotional Intelligence, Mental Health and Academic Achievement in Neyshabour Nursing Students. Sci J Hamadan Nurs Midwif Fac. 2012;20(3):35-45. [Persian]

12- Saarni C. Issues of cultural meaningfulness in emotional development. Dev Psychol. 1998;34(4):647-52.

13- Asadpoor E. effectiveness of training the emotional intelligence factors through internal way of absorb and adaption process on changing the attitude of girl students. Shiraz; 4th Congress of Students' Mental Health; 2007. [Persian]

14- Elfenbein HA. Learning in emotion judgments: Training and the cross-cultural understanding of facial expressions. J Nonverbal Behav. 2006;30(1):21-36.

15- Fattah N, GhaedMohammadi MJ. The relationship between emotional intelligence and time management in managers of Islamic Azad University in order to provide an appropriate model for managers' time management base on their emotional intelligence. J Educ Innov. 2007;3(1):11-27. [Persian]

16- Aghayar S. Organizational emotional intelligence. Tehran: Sepahan Publication; 2011. [Persian]

17- Amani A, Mohsenzadeh F. Emotional Literacy: An underlying and forgotten concept in education. Tehran; 2nd Congress of Humanities; 2010.

18- Nooraei M, Saei I. The effects of emotional intelligence on the performance of faculty members. J Behav Sci. 2010;2(3):151-83. [Persian]

19- Omaraei M, Ashrafirizi H, Papi A, Bahrami S, Samoeei R. The Relationship between emotional intelligence and communication skills of librarians in Isfahan University and Isfahan University of Medical Sciences. Health Inf Manag. 2011;8(5):662-72.

20- Seif Naraghi M, Naderi E. Research methods and its evaluation in humanities. Tehran: Arasbaran, 2009. [Persian]

21- Mirdrikvandi R. Emotional intelligence, literature and approaches from religion and psychology view. Psychol Religion. 2011;4(3):97-127. [Persian]

سواد هیجانی که ارتباط آن با سواد آکادمیک سنجیده شد خلق کلی بود که یافته‌ها نشان داد سواد آکادمیک در پیش‌بینی این حوزه نیز مدل موثری نیست و ارتباط معنی‌داری بین این متغیرها یافت نشد. این نتیجه با یافته‌های سارنی [۱۲]، بار-آن [۸] و لین [۹] ناهمسو و با نتیجه مطالعه/انتظاری و همکاران [۳] همسو است. به عبارت دیگر، افراد دارای سواد آکادمیک بالا لزوماً افراد شاد و خوش‌بین نیستند و سواد آکادمیک توانایی فرد در لذت‌بردن از زندگی، دید او نسبت به زندگی و احساس کلی رضایت خاطر را به‌طور موثری تبیین نمی‌کند. در مجموع می‌توان گفت سواد آکادمیک اساس و بنیان دانش، توسعه و شکوفایی هر جامعه‌ای بوده و اصلی‌ترین پشتوانه آموزش عالی است که لزوماً باید با سواد هیجانی بالا که یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت فرد در زندگی است، همراه باشد. عدم این همراهی می‌تواند نمایان‌نویس پیشرفت و شکوفایی با وجود سواد آکادمیک بالا و پژوهش‌ها و طرح‌های گسترده انجام‌گرفته را تبیین کند. یافته‌های پژوهش حاضر، لزوم تامل و بازنگری در نظام ارزش‌یابی سواد آکادمیک در جهت در نظر گرفتن سواد هیجانی به‌عنوان حلقه گم‌شده نظام ارزش‌یابی حاضر را به‌روشنی پدیدار می‌کند. اصلی‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، معطوف‌بودن آن بر اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و گسترده‌نبودن آن است که پیشنهاد می‌شود پژوهشگران تحقیقات مشابهی را به‌صورت گسترده‌تر در جهت بازآزمایی فرضیات پژوهش حاضر انجام دهند.

نتیجه‌گیری

در اعضای هیات علمی دانشگاه، بین سواد آکادمیک با سواد هیجانی و حوزه‌های آن رابطه‌ای وجود ندارد و سواد آکادمیک بالا لزوماً به‌معنی داشتن سواد هیجانی بالا به‌عنوان عامل تعیین‌کننده توانایی یک شخص برای اثربخش بودن نیست.

تشکر و قدردانی: از معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان و اعضای هیات علمی که صادقانه در این پژوهش شرکت داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

تاییدیه اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع مالی: از طرف نویسندگان تامین شده است.

منابع

1- Alikhani AA. Methods for improving higher education and research in Iran an analysis of previous studies. High Educ. 2010;3(1):1-31. [Persian]

2- Attaran M. Virtual university: Re-reading existing narrations. Q J Res Plan High Educ. 2007;13(1):53-73. [Persian]